



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی چگونگی آموزش در حضور دانش آموزان مشکل دار، خاص و استثنایی در کلاس های عادی ویژه مقطع ابتدایی

اکرم رهبر^۱

۱- کارشناسی تربیت مربی پیش دبستانی، دانشگاه علمی کاربردی دهدشت

atoosanoruzi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی آموزش در حضور دانش آموزان مشکل دار، خاص و استثنایی در کلاس های عادی ویژه مقطع ابتدایی انجام شد. آموزش و پرورش کودکان استثنایی باید جزئی از آموزش و پرورش برای همه کودکان باشد، خارج کردن دانش آموزان استثنایی به طور مطلق از برنامه عادی و معمولی آموزش و پرورش، بدین معنی است که آنها را از آشنایی و تماس با همسالان و بیان عادی خود دور کرده و تاکید در جدا کردن و دور نگه داشتن آنها از روال طبیعی آموزش داریم آموزش تلفیقی رویکردی مبتنی بر عادی سازی است و هدف آن آماده کردن فرد با نیازهای ویژه برای زندگی مناسب در جامعه است. این تحقیق از نظر روش توصیفی است. تحقیق زمینه یابی یک روش جمع آوری داده‌هاست که در آن از یک گروه خاص از افراد خواسته می‌شود تا به تعدادی سؤال های خاص پاسخ دهند. تحقیق زمینه یابی به منظور مطالعه شرایط موجود آموزش و پرورش و بررسی نیازهای آموزشی به کار برده می‌شود. پس از انجام تحقیق داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد درصد بالایی از معلمینی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، معتقدند که حضور دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی سبب بهبود وضعیت رفتاری این دانش آموزان می‌شود. بنابراین دانش آموزان استثنایی در آینده با مشکلات اجتماعی کمتری روبه رو خواهند شد و از سوی دیگر دانش آموزان در اجتماع بهتر پذیرفته خواهند شد.

کلمات کلیدی: دانش آموزان، استثنایی، ابتدایی، آموزش و پرورش، مدارس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مقدمه

عدالت از آرمان‌های والای تمام جوامع انسانی است. به نظر می‌رسد یکی از اساسی‌ترین راهکارها برای دستیابی به عدالت همه جانبه، تسهیل دسترسی همگان به آموزش و پرور کیفی و مبتنی بر مهارت‌های زندگی می‌باشد کودکان دارای نیازهای ویژه، یعنی کودکانی که به سبب محرومیت یا آسیب دیدگی برای بهره مندی بهینه از آموزش و پرورش به تمهیدات ویژه‌ای نیازمندند، گروهی از کودکان را تشکیل می‌دهند که همواره در معرض خطر حذف از جریان آموزش

می‌گیرد: حذف از جریان آموزش پرورش عادی یا جایدهی آنان در محیط‌های آموزش خاص مانند مدارس و کلاس‌های کودکان استثنایی (مک کانکی، ۱۳۸۳: ۵۴۳). طی چند دهه گذشته و در بسیاری از نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، جنبش‌های مؤثری با هدف ایجاد تغییرات بنیادی در شیوه‌های سازمان دهی مدارس و برنامه‌های درسی و در جهت برآورده ساختن نیازهای گوناگون دانش آموزان با نیازهای ویژه صورت گرفته است. تلاش این کشورها بر آن بوده است که با توجه به اصل برابری حقوق تمامی انسان‌ها و با احترام به شعار «آموزش برای همه» در قالب رویکردهای نوینی مانند تلفیقی، فراگیر و یا عادی سازی، قوانینی را به منظور تضمین آن که تمامی کودکان بتوانند علی‌رغم نوع نیاز خود، خدمات آموزشی را عادلانه دریافت نمایند، وضع و تصویب شود

(Sebba & Sachdev 1997., Coats, & et all, 1998). آموزش و پرورش کودکان استثنایی باید جزئی از آموزش و پرورش برای همه کودکان باشد، خارج کردن دانش آموزان استثنایی به طور مطلق از برنامه عادی و معمولی آموزش و پرورش، بدین معنی است که آنها را از آشنایی و تماس با همسالان و بیان عادی خود دور کرده و تاکید در جدا کردن و دور نگه داشتن آنها از روال طبیعی آموزش داریم آموزش تلفیقی رویکردی مبتنی بر عادی سازی است و هدف آن آماده کردن فرد با نیازهای ویژه برای زندگی مناسب در جامعه است. در آموزش تلفیقی دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در کلاس‌های درس عادی در کنار سایر دانش آموزان با استفاده از خدمات معلم مرجع «رابط» به عنوان تسهیل گر مشغول به تحصیل می‌شوند. (سیف نراقی و نادری، ۱۳۶۶: ۲۷)

برپایه فلسفه آموزش و پرورش فراگیر، هر کودک به کلاس درس عادی تعلق دارد و تمامی مدارس باید برای آموزش تمامی کودکان و بدون توجه به وضعیت جسمانی، شناختی، عاطفی، زبانی و دیگر ویژگی‌های متناسب سازی شوند و هیچ توجیهی برای پذیرفته نشدن و یا برون گذاری آن‌ها از محیط آموزشی عادی وجود ندارد (Masteropieri, 2000., Scruggs, 2004)

دانش آموزشی که برای آموزش تلفیقی در نظر گرفته می‌شود، دانش آموزی است که دارای محدودیت‌های جسمانی و ذهنی است اما درجه معلولیت وی در حد خفیف است، بنابراین با استفاده از وسایل کمک آموزشی و توان بخشی و معلم رابط قادر است در مدارس عادی به تحصیل بپردازد ایجاد جو روانشناختی برای یاد گیری بهتر در نظام آموزش تلفیقی امر مهمی است که به منظور تحقق چنین جوی لازم است معلمان عادی و سایر دانش آموزان مسائل و مشکلات این دانش آموزان را شناخته و با درک بهتر و واقع بینانه از توانایی دانش آموزان ویژه، آنان را در پیشرفت و سازگاری با محیط درس عادی یاری کند (هالاها و کافمن، ۱۳۹۰).

سال‌هاست که ذهن متخصصان آموزش‌های ویژه درگیر این مسئله بوده است تا تحقیقاتی را در زمینه مقایسه نتایج برنامه‌های جایگزینی که مخصوص کودکان معلول وجود دارد و خدمات متفاوتی که در هر مورد ارائه می‌شود، از کلاس‌های ویژه گرفته تا کلاس‌های مدارس عمومی، انجام دهند. در فاصله بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ حداقل ۵۰ نوع از این مطالعات انجام گرفته



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

است. نتایج به دست آمده گاه مبهم بوده و پیچیدگی آن موقعی بیشتر گردید که نتایج حاصل از نظر تحصیلی، در مقابل نتایج اجتماعی به صورت متفاوت جلوه گر شد. به طور کلی، نتایج تحقیقات نشان دادند که جایگزینی کودکان معمولی در کلاس‌های ویژه باعث پیشرفت تحصیلی کم می‌شود، اما شواهدی به دست آمده که نشان می‌داد جایگزینی کودکان در کلاس‌های عادی مدارس سبب شده است که دانش آموزان معلول از طرف همکلاسان غیر معلولشان کمتر پذیرفته شوند (هالاها و کافمن، ۱۳۹۰:۶۹۴). توجه به دانش آموزان استثنایی دست‌اندرکاران را بر آن داشت تا آنها را در بین دانش آموزان عادی جای دهند تا اینکه از کلیه حقوق خود تا حد امکان سود جویند. نوع معلولیت هیچگاه نمی‌تواند توجیه کننده محرومیت باشند. بررسی و شناسایی عوامل این موفقیت‌ها مسیر یکپارچه سازی را همواره می‌کند و نیازهای این دسته از دانش آموزان را در مدارس عادی مشخص می‌سازد و بنیادی محکم برای ارائه خدمات به این دانش آموزان بنا می‌نهد. چنانچه عوامل خارج از اختیار دانش آموزان بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارند با برنامه‌های کارشناسی شده و مدون به آن عوامل رسیدگی شود و رها گذاشتن آنها در این مدارس ساده انگاری محض است و باید با نظارت و مشارکت کلیه دست‌اندرکاران امر تحصیل به بالاترین پیشرفت

مورد انتظار خود دست یابند. مهم‌ترین مسئله‌ای که به ذهن می‌رسد این است که چه عواملی بر پیشرفت تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان تلفیقی تأثیر گذار است؟ (قادری، ۱۳۸۲:۱۵)

این تحقیق می‌تواند راهبردهایی را در جهت گسترش نظام آموزش فراگیر در اختیار سازمان کودکان استثنایی قرار دهد و می‌تواند به والدین این کودکان امیدواری و دلگرمی بخشد که دیگر کودکان استثنایی آنها، از سایر کودکان عادی جدا نیستند بلکه می‌توانند همراه با آنها و در کنار کودکان عادی به تحصیل مشغول شوند و باعث افزایش آگاهی معلمان عادی و در نتیجه ایجاد نگرش مثبت نسبت به این کودکان گردد. هدف این تحقیق بررسی و شناخت مسائل و مشکلات آموزش تلفیقی کودکان با نیازهای ویژه از جهت مشکلات درسی، رفتاری و اجتماعی و نیز بررسی این امر که آیا مدارس عادی می‌توانند شرایط و امکانات بهتری را برای دانش آموزان استثنایی فراهم نمایند.

بنابر بررسی‌هایی که در زمینه سابقه پژوهشی این موضوع به عمل آمده تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته بود، در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

محمدی در سال ۱۳۹۰ پژوهشی با عنوان مقایسه درک خواندن دانش آموزان دارای آسیب شنوایی در دو نظام آموزشی ویژه و تلفیقی انجام داد. این پژوهش با هدف مقایسه درک خواندن دانش آموزان دارای آسیب شنوایی در دو نظام آموزشی ویژه و تلفیقی انجام پذیرفت. روش پژوهش علی - مقایسه‌ای و مقطعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد بین نمره درک خواندن دانش آموزان با آسیب شنوایی در دو نظام آموزشی ویژه و تلفیقی اول تا سوم راهنمایی تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/01$) و همچنین در هر دو شیوه اجرا توسط معلم و دانش آموز، نمرات درک خواندن دانش آموزان با آسیب شنوایی در دو شیوه اجرا، در پایه اول بیشتر از دانش آموزان تلفیقی است. و نمرات درک خواندن دانش آموزان تلفیقی پایه دوم در هر دو شیوه اجرا نسبت به پایه‌های دیگر تفاوت معنی دار نشان داد. درک خواندن دانش آموزان دارای آسیب شنوایی در هر دو گروه (ویژه و تلفیقی) در طول سه پایه تحصیلی نشانگر رشد مثبت بود. و در نهایت تفاوت معنی دار درک خواندن بین دانش آموزان ویژه و تلفیقی دیده شد، که می‌تواند موید نیاز ویژه آنها به یکپارچه سازی آموزشی باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

بنگر در سال ۱۳۸۷ پژوهشی با عنوان بررسی نگرش و نگرانی‌های معلمان عادی و استثنایی مقطع ابتدایی غرب استان مازندران نسبت به آموزش فراگیر انجام داد این پژوهش با هدف بررسی نگرش و نگرانی‌های معلمان عادی و استثنایی مقطع ابتدایی غرب استان مازندران نسبت به آموزش فراگیر انجام شد. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. نتایج نشان دادند که نگرش نسبت به آموزش فراگیر نسبتاً منفی است. بین نگرش معلمان عادی و استثنایی نسبت به آموزش فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین نگرانی‌های معلمان عادی و استثنایی از نظر اهمیت به طور معناداری متفاوت است. بین نگرش نسبت به آموزش فراگیر و تحصیلات، محل کار و جنسیت معلمان رابطه وجود ندارد.

قادری در سال ۱۳۸۳ پژوهشی را به عنوان مقایسه نگرش معلمان عادی و استثنایی نسبت به طرح تلفیقی در شهرستان سرپل ذهاب و قصرشیرین با استفاده از پرسشنامه نگرش سنج انجام داده است. در بررسی کلی از نتایج تحقیق می‌توان گفت که اکثریت معلمان استثنایی آشکاره توافق دارند که کودکان استثنایی باید در همان سیستم آموزشی کودکان عادی آموزش ببینند. همچنین در این پژوهش معلوم گردید که معلمان عادی نسبت به آموزش کودکان استثنایی در مدارس عادی با معلمان استثنایی توافق دارند و نگرش منفی برخی از معلمان عادی و استثنایی دلیل بر عدم شناخت آنها از سیستم آموزش تلفیقی می‌باشد. هاشمی نیز در سال ۱۳۸۰ به مقایسه نگرش و دیدگاه‌های عادی و تلفیقی می‌پردازد. فرضیه‌های پژوهش شامل موارد زیر بوده که بین نگرش معلمان عادی و معلمان تلفیقی تفاوت معنی داری وجود دارد. روش مورد نظر در این پژوهش روش توصیفی بوده فرضیه دیگر پژوهش این است که بین تحصیل آموزان ناشنوا و رشد عاطفی - اجتماعی و رشد زبان و گفتار آنها رابطه مثبت وجود دارد. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه معلمان عادی که در کلاس خود شاگرد ناشنوا دارند و معلمان تلفیقی که در سال ۷۸-۷۹ در شهرستان کرج به تدریس اشتغال داشته‌اند، می‌باشد برای نمونه گیری از روش تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. نتایج تحقیق مشخص نموده که اکثریت معلمان عادی و استثنایی آموزش فراگیر را برای دانش آموزان استثنایی مناسب‌تر می‌دانند. صیادی در سال ۱۳۷۷ پژوهشی را با عنوان بررسی نگرش آموزگاران عادی و استثنایی نسبت به آموزش فراگیر انجام داده و در این پژوهش تعداد آموزگاران عادی و استثنایی ۱۰۰ نفر می‌باشند که توسط پرسشنامه محقق ساخته که شامل ۲۹ سؤال می‌باشد را تکمیل نموده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در کل نگرش معلمان عادی نسبت به دانش آموزان استثنایی و آموزش فراگیر آنها منفی بوده است.

سوالات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) آیا کودکان استثنایی در مدارس عادی، مشکلات درسی بیشتری نسبت به کودکانی که در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند را تجربه می‌کنند؟
- ۲) آیا تحصیل در مدارس عادی باعث می‌شود که کودکان استثنایی در آینده با مشکلات اجتماعی کمتری روبه رو شوند؟
- ۳) آیا حضور در مدارس عادی می‌تواند سبب بهبود وضعیت رفتاری دانش آموزان استثنایی گردد؟
- ۴) آیا دانش آموزان استثنایی در کلاس‌های عادی، از سوی دیگر دانش آموزان پذیرفته می‌شوند و با یکدیگر روابط اجتماعی مناسبی دارند؟
- ۵) آیا تحصیل در مدارس عادی باعث می‌شود که دانش آموزان استثنایی به نقاط مثبت خود واقف گردند و دید منفی راجع به خود نداشته باشند؟
- ۶) آیا مدارس عادی می‌توانند شرایط و امکانات بهتری را برای دانش آموزان استثنایی فراهم نمایند؟



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

روش تحقیق

این تحقیق از نظر روش توصیفی است. تحقیق زمینه یابی یک روش جمع آوری داده‌هاست که در آن از یک گروه خاص از افراد خواسته می‌شود تا به تعدادی سؤال‌های خاص پاسخ دهند. تحقیق زمینه یابی به منظور مطالعه شرایط موجود آموزش و پرورش و بررسی نیازهای آموزشی به کار برده می‌شود. در این تحقیق پژوهشگر داده‌های جمع آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، خلاصه و طبقه بندی می‌کند. (دلور، ۱۳۹۷). در این پژوهش جامعه مورد نظر ما شامل معلمین زن و مرد مشغول به تدریس در مدارس عادی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می‌باشد. و نمونه آماری مورد نظر شامل ۲۱۰ نفر از معلمان عادی مقاطع ابتدایی است که شاگرد استثنایی در کلاس خود دارند. شیوه نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری داوطلبانه و در دسترس است. و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته از نوع نظرسنجی می‌باشد. که شامل ۶ سؤال است. برای تعیین میزان اعتبار و روایی پرسشنامه مورد نظر، پیش نویس آن بر روی تعدادی از معلمین آموزش تلفیقی و معلمین استثنایی که با مسائل و مشکلات این دانش آموزان در مدارس آشنا بودند اجرا گردید و تا پایان اجرای آزمون در مورد پیش آزمون بودن پرسشنامه چیزی به افراد گفته نشد. پس از جمع آوری اطلاعات خام و استخراج آنها، از روش آمار توصیفی، استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و استخراج نتایج و طبقه بندی اطلاعات نیز، از روش آماری استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

پس از جمع بندی سؤالات پرسشنامه نتایج به دست آمده با توجه به هر سؤال در جدولی خلاصه شد که به شرح زیر می‌باشد.

(۱) آیا کودکان استثنایی در مدارس عادی، مشکلات درسی بیشتری نسبت به کودکانی که در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند را تجربه می‌کنند؟ پاسخ این سؤال در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱) بررسی مشکلات درسی دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی

نوع پاسخ / تعداد پاسخ	کاملاً موافق	موافق	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	جمع
فراوانی	۶۳	۹۸	۰	۲۱	۲۸	۲۱۰
درصد٪	۳۰	۴۶/۶۶	۰	۱۰	۱۳/۳۳	۱۰۰

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۳۰ درصد از معلمین عادی گزینه کاملاً موافق، ۴۶/۶۶ درصد گزینه موافق، ۰ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۱۰ درصد گزینه مخالف، ۱۳/۳۳ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند.

(۲) آیا تحصیل در مدارس عادی باعث می‌شود که کودکان استثنایی در آینده با مشکلات اجتماعی کمتری روبه رو شوند؟ پاسخ این سؤال در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره (۲) بررسی مشکلات اجتماعی دانش آموزان استثنایی مشغول به تحصیل در مدارس عادی در آینده



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

جمع	بدون نظر	مخالف	کاملاً مخالف	موافق	کاملاً موافق	نوع پاسخ / تعداد پاسخ
۲۱۰	۷	۱۴	۲۱	۱۴۷	۲۱	فراوانی
۱۰	۳/۳۳	۶/۶۶	۱۰	۷۰	۱۰	درصد٪

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۱۰ درصد از معلمین عادی گزینه کاملاً موافق، ۷۰ درصد گزینه موافق، ۱۰ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۶/۶۶ درصد گزینه مخالف، ۳/۳۳ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند.

۳) آیا حضور در مدارس عادی می‌تواند سبب بهبود وضعیت رفتاری دانش آموزان استثنایی گردد؟ پاسخ این پرسش در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول شماره (۳) بررسی مشکلات رفتاری دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی

جمع	بدون نظر	مخالف	کاملاً مخالف	موافق	کاملاً موافق	نوع پاسخ / تعداد پاسخ
۲۱۰	۷	۴۹	۷	۱۱۹	۲۸	فراوانی
۱۰۰	۳/۳۳	۲۳/۳۳	۳/۳۳	۵۶/۶۶	۱۳/۳۳	درصد

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۱۳/۳۳ درصد از معلمین عادی گزینه کاملاً موافق، ۵۶/۶۶ درصد گزینه موافق، ۳/۳۳ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۲۳/۳۳ درصد گزینه مخالف، ۳/۳۳ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند.

۴) آیا دانش آموزان استثنایی در کلاس‌های عادی، از سوی دیگر دانش آموزان پذیرفته می‌شوند و با یکدیگر روابط اجتماعی مناسبی دارند؟ پاسخ این سؤال در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول شماره (۴) بررسی پذیرش دانش آموزان استثنایی و برقراری روابط اجتماعی مناسب

جمع	بدون نظر	مخالف	کاملاً مخالف	موافق	کاملاً موافق	نوع پاسخ / تعداد پاسخ
۲۱۰	۰	۲۱	۴۹	۱۲۶	۱۴	فراوانی
۱۰۰	۰	۱۰	۲۳/۳۳	۶۰	۶/۶۶	درصد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۶/۶۶ درصد از معلمان عادی گزینه کاملاً موافق، ۶۰ درصد گزینه موافق، ۲۳/۳۳ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۱۰ درصد گزینه مخالف، ۰ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند. (۵) آیا تحصیل در مدارس عادی باعث می‌شود که دانش آموزان استثنایی به نقاط مثبت خود واقف گردند و دید منفی راجع به خود نداشته باشند؟ پاسخ این سؤال در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول شماره (۵) بررسی پی بردن دانش آموزان استثنایی به توانایی‌های خود

نوع پاسخ تعداد پاسخ	کاملاً موافق	موافق	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	جمع
فراوانی	۷	۱۱۲	۱۴	۶۳	۱۴	۲۱۰
درصد٪	۳/۳۳	۵۳/۳۳	۶/۶۶	۳۰	۶/۶۶	۱۰۰

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۳/۳۳ درصد از معلمان عادی گزینه کاملاً موافق، ۵۳/۳۳ درصد گزینه موافق، ۶/۶۶ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۳۰ درصد گزینه مخالف، ۶/۶۶ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند. (۶) آیا مدارس عادی می‌توانند شرایط و امکانات بهتری را برای دانش آموزان استثنایی فراهم نمایند؟ پاسخ این سؤال در جدول شماره (۶) آمده است.

جدول شماره (۶) توانایی ارائه امکانات بهتر در مدارس عادی

نوع پاسخ تعداد پاسخ	کاملاً موافق	موافق	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	جمع
فراوانی	۳	۳۱	۱۵۸	۱۱	۷	۲۱۰
درصد٪	۱/۴	۱۴/۷	۷۵/۲	۵/۲	۳/۳۳	۱۰۰

با توجه به جدول فراوانی فوق معلوم می‌گردد که ۱/۴ درصد از معلمان عادی گزینه کاملاً موافق، ۱۴/۷ درصد گزینه موافق، ۷۵/۲ درصد گزینه کاملاً مخالف، ۵/۲ درصد گزینه مخالف، ۳/۳۳ درصد گزینه بدون نظر را انتخاب کرده‌اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

بحث و نتیجه گیری

در بررسی کلی از نتایج تحقیق می‌توان گفت که درصد بالایی از معلمینی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، معتقدند که حضور دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی سبب بهبود وضعیت رفتاری این دانش آموزان می‌شود. بنابراین دانش آموزان استثنایی در آینده با مشکلات اجتماعی کمتری روبه رو خواهند شد و از سوی دیگر دانش آموزان در اجتماع بهتر پذیرفته خواهند شد. البته نتایج تحقیق به این امر ادعان دارد که این دانش آموزان در مدارس عادی مشکلات درسی بیشتری را تجربه خواهند کرد و همچنین اکثریت معلمین معتقدند که مدارس عادی تاکنون نتوانسته‌اند شرایط و امکانات مناسبی را برای حضور این دانش آموزان فراهم نمایند. البته درصد بالایی از معلمین عادی نیز به موفقیت این طرح و تأثیر مثبتی که آموزش تلفیقی در بهبود روابط اجتماعی این دانش آموزان دارد، توجه دارد. و معتقدند این طرح موجب بهبود روابط اجتماعی دانش آموزان استثنایی با دیگر دانش آموزان و همچنین کاهش دید منفی دانش آموزان استثنایی نسبت به توانایی‌های خود می‌شود. نخستین یافته پژوهش حاکی از آن است که کودکان استثنایی در آموزش تلفیقی مشکلات درسی بیشتری را نسبت به کودکانی که در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند دارند. که این یافته با نظر پورسلطانی (۱۳۹۰) تا حدی مطابقت دارد زیرا زمانی که این کودکان در سیستم آموزش عادی قرار می‌گیرند در حقیقت از آنان به اندازه یک دانش آموز عادی انتظار می‌رود. یافته دیگر پژوهش حاکی از آن است که حضور در مدارس عادی سبب بهبود وضعیت رفتاری دانش آموزان استثنایی می‌گردد که هالاها و کافمن (۱۳۹۰) نیز تقریباً این مورد را تأیید می‌کنند که اغلب علت رفتارهای نامناسب کودک را به استثنایی بودن وی نسبت می‌دهند و این تصورات اشتباهی است و به طور واقعی رفتار فرد را توضیح نمی‌دهد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش به این نکته تأکید می‌کند که دانش آموز استثنایی در کلاس‌های عادی از سوی دیگر دانش آموزان پذیرفته می‌شوند و با یکدیگر روابط اجتماعی مناسبی دارند. که این یافته با نظر پوربسطامی (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. برطبق نظر پوربسطامی این کودکان تمایل دارند که بیشتر با معلم در ارتباط باشند و به معاشرت با همسالان عادی خود زیاد تمایل ندارند. همچنین با نظریات مک کانکی (۱۳۸۳) نیز همخوانی ندارد. مک کانکی معتقد است که این کودکان معمولاً واکنش انزواطلبی و با لجبازی از خود نشان می‌دهند. همچنین نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱) معتقدند که فقدان نیروی حرکتی برای کودکان فلج مغزی احتمالاً در رشد اجتماعی و نیز برقراری ارتباط با دیگران تأثیر منفی می‌گذارد. یکی دیگر از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحصیل در مدارس عادی سبب می‌شود که دانش آموزان استثنایی به نقاط مثبت خود واقف گردند و دید منفی راجع به خود نداشته باشند که این یافته نیز با نظر کاکوجویباری و هوسپیان (۱۳۸۰) مطابقت دارد. در واقع جداسازی سبب می‌شود به تفاوتها که یک امر طبیعی است، با دید منفی نگریسته شود و در نتیجه آستانه تحمل افراد برای پذیرش این امر کاهش می‌یابد. یافته دیگر پژوهش به این امر می‌پردازد که مدارس عادی می‌تواند امکانات لازم را برای این کودکان فراهم آورد. تقریباً اکثریت معلمین عادی موافق این امراند که مدارس عادی نمی‌توانند شرایط مناسبی را برای این کودکان فراهم کنند که این یافته با دیدگاه مک کانکی (۱۳۸۳) مطابقت دارد. زیرا مک کانکی معتقد است که مدارس عادی به اندازه کافی تجهیزات اضافی ندارند که بتوانند شرایط مناسبی برای تحصیل کودکان استثنایی ایجاد کنند.



منابع

۱. بنگر، م. ۱۳۸۷. بررسی نگرش و نگرانی‌های معلمان عادی و استثنایی مقطع ابتدایی غرب استان مازندران نسبت به آموزش فراگیر، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۲ (۸۴): ۳۷-۴۶.
۲. پورسلطانی، م. ۱۳۹۰. دانش آموز آسیب دیده شنوایی در کلاس عادی، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی
۳. خضری، آ. ۱۳۹۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش آموزان با نیازهای ویژه در نظام آموزش فراگیر، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۱ (۱۰۹): ۷۸-۸۴.
۴. دلاور، ع. ۱۳۹۷. روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، چاپ. انتشارات ویرایش، ۳۱۲ صفحه.
۵. کاکوجویباری، ع. ا.، هوسپیان، آ. ۱۳۸۰. مبانی فلسفی آموزش و پرورش فراگیر. پژوهشکده کودکان استثنایی. شماره ۱.
۶. قادری، ل. ۱۳۸۲. مقایسه نگرش معلمان عادی و استثنایی نسبت به طرح تلفیقی، پایان نامه کارشناسی. مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهید ثانی تهران.
۷. نادری، ع. ا.، سیف نراقی، م. (۱۳۶۶)، دانش آموزان استثنایی. انتشارات امیرکبیر.
۸. محمدی، ن. ۱۳۹۰. مقایسه درک خواندن دانش آموزان دارای آسیب شنوایی در دو نظام آموزشی ویژه و تلفیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۹. مک کانکی، ر. ۱۳۸۳. درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس‌های فراگیر، ترجمه: ابوالفضل سعیدی، سوسن ضیایی نجف آبادی، رضا برادری. انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
۱۰. هاشمی، و. ۱۳۸۰. مقایسه نگرش معلمان عادی و تلفیقی دانش آموزان آسیب دیده شنیداری نسبت به آموزش فراگیر، پایایان نامه کارشناسی. مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهید باهنر تهران.
۱۱. هالاهان، د. کافمن، ج. ۱۳۹۰. کودکان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزشهای ویژه، ترجمه: مجتبی جوادیان، چاپ دوازدهم. انتشارات آسان قدس رضوی. ۷۵۲ صفحه.

1. Coots JJ, Bishop KD, Gremt- Scheyer M. (1998). Supporting elementary age students with significant disabilities in general education classrooms: Personal perspectives on inclusion. *Education and Training in Mmenental Retardation and Developmental Disaabilities*, 33(2),317-330.
2. Mastropieri M(2000). *The inclusive classroom: Strategies for effective instruction*. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
3. Scruggs T. (2004). *The inclusive classroom: Strategies for effective instruction*. USA: Prentice Hall, Inc.
4. Sebba J, Sachdev D. (1997). *What it works in inclusive education? Exceptional Children*, 104(2), 18-30.